

اندیشه های سیاسی در متون مزدایی متأخر

دکتر سید اصغر محمود آبادی

هیات علمی و استاد گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

لیلا نیریز

دانشجوی کارشناسی ارشد ایرانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات

چکیده

بخش مهمی از ادبیات ساسانیان که در عصر اسلامی و در دوره ای طولانی (قرن دوم تا قرن هفتم هجری) نگاشته شده است؛ در واقع کوششی آگاهانه به منظور حفظ میراث کهن فرهنگی بود که در طول زمان دانشمندان دین آگاه و علاقمند به گذشته‌ی فرهنگی ایرانیان را به تلاشی پیگیر برای بقای آن آثار که در واقع میراث فکری و اعتقادی مردمان گذشته به شمار می آمد تشویق می نمود. برخی از آن یادمانها به احیای دین، در رستاخیزی که در تقدیر ایرانیان نگاشته شده بود اشاره می نمود و امیدی را برای دین باوران زرتشتی در جهت بازبایی گذشته ایجاد می کرد. این آثار دینی تا چه حدود مشحون از اندیشه‌های سیاسی بوده و جهت گیریهای خاصی را در فرایند تقویت بنیه‌های ملی و سیاسی ایرانیان فراهم می نمود موضوع این مقاله میباشد. بیگمان ایرانیان سرنوشت خویش را بر اساس بنیادگرایی تقدیری که آیین مغان آن را فراهم نموده بود و طبیعی است که متون آنان نمی توانست سرشار از روحیه‌ی مبارزاتی و یا سیاسی باشد. نکته قابل توجه آن است که در عصر اسلامی نوشته‌های مزدایی متأخر که به خط فارسی میانه فراهم می شد به دلیل عدم آشنایی مردم ایران با آن خط و کمبود ارتباطات دینی بین مزدیسنان، نمی توانست اندیشه ساز فکر سیاسی و تبلور آن در ساختار اجتماعی مردم ایران باشد. با این حال متون مزدایی از اهمیت سیاسی عاری نیست و حتی برخی از متون همچون دینکرد که واپسین دانشنامه زرتشتی در عصر اسلامی است از تاثیر بی چون و چرا فلسفه اسلامی نیز خالی نیست و سعی دارد شرایط موجود را به هر حال بپذیرد. در این مقاله، برای رسیدن به چنان اهدافی، از ادبیات دینی مزدایی که اشتهار بیشتری در فضای نگارش‌های سیاسی زرتشتی در عصر اسلامی دارند استفاده شده و تلاش می شود در فضای مه آلودی که بویژه در قرون نخستین اسلامی در ایران پدید آمده بود آرمان‌های سیاسی ایرانیان را در لابلای متون مزدایی مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی: آیین زرتشت، دینکرد، به دینان، نامه‌ی تنسر، اندیشه‌ی سیاسی.

مقدمه

برحسب تقسیمی که "وست" در متون مزدایی انجام داده است، این گونه متن‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند:

۱- آنانی که به پارسی میانه برگردانده شده‌اند. در این متن‌ها، به دنبال جمله‌هایی اوستایی، ترجمه واژه به واژه پارسی میانه می‌آید و جای جای واژه‌ها، تفسیر و گاهی شرحی به زبان پارسی میانه بر آن افزوده می‌شود.

۲- متن‌های پارسی میانه خالص که در مطالب گوناگون دینی آمده و یا دارای پیوند نزدیک با دین زرتشتی می‌باشد.

۳- متن‌های که در زمینه حقوقی، تاریخ افسانه‌ای، رسوم و آداب اجتماعی، قصه‌ها، نامه‌ها و به طور کلی در متن‌های غیر دینی آمده است. (west, 201:1965)

تاوادیا، تقسیم بندی دیگری به دست داده است که واژه نامه‌ها و نوشته‌های بنیادی، به صورت آثار عمده، دارای ارتباطی مستقیم با دین زرتشتی می‌باشد، مانند نامه‌ها، متن‌هایی در مورد رسوم و آداب دینی، متن‌هایی درباره پایان جهان، اصول داوری حقوقی و آثار غیر دینی از جمله‌اند. (تاوادیا، ۱۳۴۸:۱۸۳)

وست مجموع واژه‌های متن‌های پارسی میانه شناخته شده را به ۵۸۵۳۹۰ واژه برآورد کرده است. از این رقم ۱۴۰۱۶۰ واژه از آن دست اول و ۴۰۴۳۷۰ واژه از آن دست دوم و ۴۰۸۶۰ واژه آن دست سوم در دسته بندی فوق است و به این شکل متن‌های غیر دینی فقط نزدیک به ۷ درصد ادبیات کتاب پارسی میانه را تشکیل می‌دهند. بیش‌ترین رقم به دینکرد تعلق دارد (کتاب‌های سوم تا نهم) که به تنهایی دارای ۱۷۰۰۰۰ واژه یعنی نزدیک به ۳۰ درصد مجموع واژه‌ها متن‌های کتابی است، و کمترین رقم به داروی خرسندی اختصاص دارد که حاوی ۱۲۰ واژه می‌باشد.

وست تصریح کرده است « نزدیک به نیمی از ادبیات پارسی میانه‌ی موجود، طی سده‌ی نهم میلادی (قرن سوم هجری) گرد آوری و تألیف شده است و تاریخ تحریر هیچ یک از دست‌نویس‌های متن‌های کتابی پارسی میانه، مقدم بر سده‌ی چهاردهم میلادی (سده‌ی هشتم هجری) نیست ». (west, 1965:233)

بنابراین از روی متن‌های تحریرها نمی‌توان به تاریخ تألیف آن‌ها پی برد. از این رو، شکی نیست که اصل بیشتر متن‌ها دارای موارد کهنتری بوده است. ولی در حال حاضر، تنها می‌توان به متن‌های موجود اکتفا نمود. به نظر تاوادیا، متن‌های دینی بر روایت‌های کهنسال‌تری استوار هستند و

گاهی به دست چند تن ویراسته و دستکاری شده‌اند. به هر حال وجود یک اصل قدیم تر بر آنها منتهی نیست. مثلاً یادگار زیریران، به صورت کنونی خود متعلق آغاز قرن ششم میلادی است و به عقیده نولد که قدیمی ترین کتاب پارسی میانه است که محفوظ مانده است. (تاوادیا، ۲۱۴: ۱۳۴۸) به گمان ارنسکی در فقه اللغه ایرانی، نسخه‌های موجود این اثر به صورت دست خورده ای از یک منظومه حماسی متعلق به عهده اشکانیان (پیش از قرن سوم میلادی) به جای مانده است. (ارنسکی ۱۳۵۸: ۱۷۰) او همچنین اعتقاد دارد که تألیفات مهم متون مزدایی متعلق به (قرون هشتم تا دهم میلادی) می‌باشد. (همان ۱۶۸) در متن های دینی از تعداد زیادی از نویسندگان و دانشمندان صاحب نظر یاد شده که زمان حیات بشر آنان را نمی توان تعیین نمود. بیشتر به نظر می‌رسد عده‌ای از آنان در عصر طولانی سلطنت خسرو اول انوشروان (م ۵۷۹ - ۵۳۱) می‌زیسته‌اند. همچنین می‌توان اظهار نظر کرد که کوشش عمده مفسران در روزگار همین شاهنشاه پایان یافته است. حتی می‌توان افزود که پس از پایان یافتن روزگار ساسانیان، (۳۱ ه. ق / ۶۵۲ م) موبدان و دانایان ایرانی، در دوره اسلامی نیز سرگرم کار گزارش متون دینی و حتی اوستا بوده‌اند. این کوشش ظاهراً اندکی پس از روی کار آمدن ساسانیان و یا حتی پیش از آن در زمان اشکانیان آغاز شده بود. شاهان اشکانی به سنن ملی ایرانیان سخت علاقمند بودند. احتمال می‌رود نخستین متون اوستا در همان عصر به یکی از انواع خطوط آرامی نوشته شده باشد. (دو بو آز، ۱۸۸: ۱۳۴۲) اگر چه آن متن به زمان ما نرسیده است اما باید قبول نمود که حماسه ملی ایرانیان - که تاریخ سیاسی دوران مختلف حیات ایرانی در آن حضور دارد. در دوره فرمانروایان اشکانیان پدید آمد. (فرای، ۱۳۸۶: ۳۵۴-۳۵۳) نه پس از آن در روزگار ساسانیان^(۱) و از سوی دیگر تاریخ آخرین تألیف ها به زبان پارسی به سده های هشتم تا دهم میلادی/ دوم تا چهارم هجری کشیده می‌شود. دقت در این مطلب نشان می‌دهد که خطوط آرامی عهد اشکانی، در عهد ساسانیان قابل بررسی و بویژه ترجمه از آن زبان به خطوط عصر اشکانی بوده است.

اینک به معرفی برخی از متون دینی مهمی که به نوعی با دین رسمی زمان ساسانی مرتبط هستند پرداخته و در خلال آن سعی خواهد شد در لابلای آن متن‌ها به بروز اندیشه سیاسی نیز پرداخته شود.

دینکرد:

دینکرد در میان نوشته های پارسی میانه، پایگاهی والا داراست. آنچه از این کتاب باقی است (۱۷۰۰۰۰ واژه) به تنهایی و بنا به نوشته وست - آنچنان که گذشت - بیش از ۳۰٪ نوشته هایی پارسی میانه را در برمی گیرد. از نه بخش این کتاب، دو بخش نخستین آن در دسترس نیست. (دوستخوان، ۱۳۸۱: ج ۲، ۹۸۷).

اگرچه نویسنده گزارش گمان شکن "شکند گمان نیک و یجار" آن بخش را می شناخته است. همچنین آغاز بخش سوم آن کتاب نیز از میان رفته است. این کتاب دو مولف عمده داشته است. آذرفرنبغ فرخزاتان، موبد بزرگ ایالت پارس، که عصر خلافت مأمون عباسی - آغاز قرن سوم هجری می زیسته - و دیگری آذرباد امیدان، از موبدان پارس، که تألیف آذرفرنبغ را از نو تحریر و تکمیل کرد و بخش نهم را نیز به آن افزوده است و در واقع به آن اثر تکامل بخشید. به نظر می رسد اولین نسخه نگاشته شده از آن کتاب مورخ به سال ۵۴۱۱ ق برابر با ۱۰۲۰ م در شهر بغداد بوده است. (اذکایی، ۱۳۷۵: ۷۰) سبک نگارش دینکرد در بسیاری از جاها پیچیده و تاریک است و در مواضع فراوانی نوشته های دینکرد یاد آور سبک های نگارش تلمود می باشد. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۹۷) با این وجود دینکرد یهودیان را بد دین خوانده و منشا آنان را از ضحاک شمرده است. (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۱۷۱) نیبرگ، دینکرد را واپسین بازمانده سنت ها می شناسد که به وسیله مغان در آموزشکده های دینی آموخته می شد (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۱۱۴) و جای هیچ مشکلی نیست که بخش مهمی از رسوم اجتماعی و دینی که در آن مجموعه تشریح شده است در روزگار ساسانیان متداول بوده است. (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۱۳۲).

در دینکرد برای نخستین بار به دین اوستایی و اهمیت آن در عصر کیانیان، اشاره شده است. «دارا فرزند دارا دستور داد دو رونوشت از اوستا بردارند. یکی را بر خزانه شاهی "شیزگان، گنجک آذربایجان" و دیگری را به دژنیشت بسپارند» (فرای ۱۳۶۷: ۱۳۲) به موجب روایات کهن (بویس، ۱۳۸۱: ۱۰۸)، هنگامی که اسکندر به ایران آمد پس از غارت گنجینه های تخت جمشید در استخر پارس پرسپولیس به مقابر شاهان پارس درآمد. "در نقش رستم" و نسخه اول اوستا را که به روایت نامه تنسر بر دوازده هزار پوست گاو به زر نوشته بودند فرمان داد تا بسوزانند. در دینکرد آمد است: اسکندر آن چه در دژنیشت بود به سوزش داد "an i pat diz i nipist o so cish" (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۶۹) در این شرایط از اسکندر به

عنوان *yonayik* نامبرده شده است. در این جا، نگاه دینکرد به تاریخ گذشته ایران - اگر چه نگاهی است از دوران اسلامی به آن عصر افکنده می شود - در واقع نگاه مذهبی و سیاسی عمیقی است از یک واقعه‌ی دردناک که بی‌گمان در نخستین سال‌های شروع دولت ساسانی - نیمه اول قرن سوم میلادی - خاطره آن در اذهان مردم ایران هنوز زنده بود و ساسانیان آن خاطره را در متون مذهبی خود پایدار ساختند. به عبارت بهتر، حمله اسکندر به ایران و از میان رفتن دولت هخامنشی - به عقیده ساسانیان عصر داریان و کیانیان - چنان در خاطره قوم ایرانی سخت و دیرپا بود که ساسانیان توانستند با توسل به همان نقاط دردناک تاریخی و ملی دوران سلطه مقدونیان بر ایران و حتی عصر اشکانیانی را متهم به یونانی‌گرایی نموده و آنان را از میان بردارند. زمانی هم که بزرگان آیین زرتشت در عصر اسلامی دست به نگارش دینکرد زدند هنوز خاطره و یاد آن واقعه در ذهنیت تاریخی قوم ایرانی بر جای بود. (هینلز، ۱۶۹:۱۳۶۸) به عبارت دیگر، دینکرد اسکندر را "دین برانداز" و "مهاجم" خوانده است (محمود آبادی، ۱۴۹:۱۳۸۵) از این نکته می‌توان دریافت که حتی در قرن سوم هجری هنوز اندیشه‌های ایرانی ضدهلنی در روایات دینکرد موج می‌زده است. (اینوستراتس، ۲۲:۱۳۶۸) شاید به دلیل همین دیدگاه ایرانیان نسبت به گذشته ایران زمین و حضور نیروهای مهاجم مقدونی است که آلت‌هایم می‌نویسد: ساسانیان خواهان بازگشت به ویژگیها و اعتقادات دینی هخامنشی در برابر گرایش‌های هلنیستی بودند. (الت‌هایم، ۸۶:۱۳۸۲) دینکرد علاوه بر تمایلات ضد بیگانه و ضد مذهبی که از خود بروز می‌دهد به نقد نظریه‌ها و اعمال مزدکیان نیز می‌پردازد. از جمله عمل خسرو انوشروان (۵۳۱-۵۷۹م) را در سرکوب مزدکیان و فراهم نمودن زمینه‌های به دینی تمجدید می‌نماید و قدرشناسی موبدان مزدیسنا برای تقدیم عنوان (اعلیحضرت = IMBOY) به خسرو به همراه لقب "انوشگ روان" به او را نوعی حق‌شناسی در برابر مبارزه شاه با بددینان و زنادقه به شمار می‌آورد. (دوشن‌گیمن، ۱۳۷۵: ۳۸۳) اصولاً نگاه دینکرد به منجی اعتقادی سیاست، این کتاب پادشاهانی را به ستایش می‌نشیند که دردها و رنج‌های مردم را درک کرده و به رفع آلام آنان می‌کوشند، همچنین دینکرد در انتظار شهریاری است که برای آرایش ایران زمین از بدی‌ها و فتنه‌ها پا در رکاب دارد. (هینلز، ۱۶۹:۱۳۶۸) ملاحظه می‌گردد که این کتاب دینی که سرشار از گزارش‌ها و اطلاعات اجتماعی و مبتنی بر رسوم و سنت‌های آن عصر بوده است، چگونه نسبت به مسائل سیاسی و سیاست‌های شاهان به بحث می‌پردازد.

در زمان طولانی سلطنت خسرو اول انوشروان، به روایت دینکرد، تاریخ شرق ایران - که در افسانه‌های کهن اوستایی ثبت شده بود - اهمیت تازه‌ای می‌یابد. خسرو مانند پدرش قباد (۵۳۱ - ۴۸۸ م) دارای مقام قهرمانی و دارنده لقب "کی" می‌شود - این به تأیید موبدان نیز میرسد - و بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که بخش‌های حماسی اوستا از این زمان به عنوان متن مقدس به رسمیت شناخته می‌شود. (دوشن گیمن ۱۳۷۵:۳۴۸) دینکرد حتی در مورد پادشاهان سست و نالایق نیز که توانایی اداره ملک را ندارند اظهار نظر می‌کند. بنابر روایتی هرگاه در جایی ننگی و خواری پیش آید پادشاه را آن شایستگی نباشد که به دفع آن برخیزد و یا خود اندیشه و تیمار خلق را نداشته باشد، پس بی‌گمان آن شاه فاقد لیاقت حکومت است و بر دیگران واجب است که برای اقامه عدل و داد با او درآویزند (زرین کوب، ۱۳۶۳:۱۹۵) بی‌گمان این نوشته دینکرد - با توجه به زمان تحریر آن که حدود قرن پس از فروپاشی ساسانی. در عهد اسلامی نگاشته شده است - زیر تأثیر بی‌چون و چرای فلسفه‌ی حکومت اسلامی است. همچنان مطالب مربوط به کتاب سوم دینکرد نشان می‌دهد مولف به خوبی با نظریه‌های اسلامی و عقاید سایر مذاهب مانند معتزله آشنا بوده اند و حتی در فصل ۱۴۷ کتاب به رد عقاید آنان پرداخته است. (تفضلی، ۱۳۷۶:۱۶۳) دینکرد، سپاهیان و سردارانی را که علیه دشمن می‌جنگند به ستایش نشسته و وظیفه مقدس جنگ با کافران و پاداش دو برابر آنرا به خاطرشان می‌آورد. بر اساس آن روایات سردار سپاه - علی‌الرسم - مکلف است دشمن را به تسلیم و قبول آیین مزدایی - قبول قدرت سیاسی ساسانیان - دعوت نماید و آنگاه با بانگ مرد و مرد آنها به جنگ تن‌به‌تن فراخوانده. (اینوستراتسفس، ۱۳۶۸:۲۶) توجه و علاقه نویسندگان دینکرد به جنگ و شرایط نظامی عصر ساسانیان بی‌دلیل نیست. (محمود آبادی، ۱۳۸۵:۴۴ - ۴۵) در اوستا از جنگ‌های مذهبی و مردمان جنگی که برای عقیده خویش مبارزه می‌کنند به کرات تمجید شده است. (دوستخواه، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۲۷) با مقایسه‌ی متن عربی ابن قتیبه دینوری در کتاب بزرگ عیون الاخبار و در فصلی که به مناسبت شرایط جنگی و سیاسی ساسانیان نگاشته و مقایسه این متن با کتاب دینکرد کتاب هشتم - فصل ۳۹ که اشارات صریحی به مجموعه قوانین ساسانی نمود است می‌توان دریافت دینکرد نسبت به سیاست و امور نظامی عصر ساسانی علاقمند بوده و اصول آن را از کتاب آیین نامک اقتباس کرده است. (اینوستراتسفس، ۱۳۶۸: ۶۴)

در آیین به دینان شاهی نشان دین است و دین نشان شاهی است. بزرگی شاهی در اطاعت از دین و آیین مزدایی است و بزرگی دین مزدایی در حفظ اقتدار نام شاهی.

(احسان عباسی، ۱۳۴۸:۷۵) دینکرد درصدد است وضعیت و رابطه سیاست و دین را در آن دوران - عصر ساسانیان - تبیین نماید. در بیان نظریه های دینکرد، سیاست نگهبان به دینی است. اما در عمل اقتدار شاهنشاه از چارچوب ساختار طبقاتی فراتر می رود. در میان هندیان، پادشاه جزئی و عضوی از طبقه رزمیار است ولی در ایران مقام شاهی ورای طبقات بوده و همانگونه که چارچوب دینی تضمین کننده ساختار طبقاتی و اجتماعی است، پادشاه که در بالاترین نقطه هرم قدرت قرار دارد تعیین کننده ساختار سیاسی است.^۲ به واقع دانشنامه ی دینکرد که در دوران اسلامی نگاشته شده با وجود نگاهی تاریخی - دینی به گذشته ای که دیگر هرگز باز نیامد - بیشتر قصد احیای آیین مزدیسنا و وظیفه برپایی امید در دل طرفداران و وفاداران به آن را در ایران عهد اسلامی بر عهده گرفت که این امر با تسامح خلفای نخستین عباسی جامعه ی عمل پوشید و شگفت آن که علمای مسلمان به تعارض با آن بر نخاستند^۳ و مورخان بزرگ اسلامی بسیاری از آداب اجتماعی، سیاسی و اخلاقی ایران پیش از اسلام را از آن دریافتند و صمیمانه در آثار خود به کار گرفتند و سبب ساز تداوم و فرهنگ ایرانی در تمدن و آداب اسلامی می گردیدند. شاید بتوان گفت تفاوت روایات دینکرد و منابع اسلامی در این است که در منابع دوره ی اسلامی سخنی از جمع آوری اوستا توسط تنسر نیست؛ بلکه همه جا او را حکیم و مشاور خردمند وصف می کنند (نصرالله زاده، ۱۳۸۶: شماره ۲)

بند هشن (آفرینش بنیادی)

پس از دینکرد، بُندهشن بزرگترین کتاب از مجموعه کتب دینی - تاریخی عصر ساسانیان است. از این اثر دو روایت به زمان ما رسیده است که یکی به بُندهشن ایرانی (با حدود ۳۰۰۰۰ واژه) و دیگری به بُندهش هندی معروف است که در بُندهشن هندی، بخش هایی خسته کننده حذف شده و واژه هایی دشوار تغییر یافته است. آشکارا این دو روایت با یکدیگر ناهمسان هستند (ریپکا، ۱۳۸۳:۱۰۵)

تفاوت دو نوشته گاهی در تغییر گاهی در تغییر واژه ای به واژه ای مترادف آن و یا جمله ای دیگر است. با این همه برای دریافت مطلب لازم است به هر دو تحریر مراجعه نمود زیرا گاه مکمل یکدیگرند. (تفضلی ۱۳۷۶:۱۴۴)

بُندهش ایرانی نوشته ای است ارزشمند شامل داستانهای دینی و نگرشهایی درباره میهن و روایتهای خیالی و افسانه های پیرامون آفرینش این جهان، پیدایش اهریمن بر خاک، بازپسین داوری رستاخیز انسان، ایران زمین با رودها، کوهها، دریاچه ها، فرمانروایان و پهلوانان، و سرانجام آفرینش

از دیدگاه دین و گاهشناسی سنتی میباشد. این نکته های فراوان و گاه سنجیده، بُندهشن ایرانی را از بُندهشن هندی بالاتر و ارجمند تر قرار داد. بدینگونه آن را بُندهشن بزرگ خوانده‌اند (بهار، ۱۳۶۹: ۱۵) متن کتاب کهنه است و آخرین تحریر آن در قرن سوم هجری به دست فرنیغ نامی یا (پدرش دادویه) انجام گرفته است. از قراین چنین برمیاید که نویسنده دوم کتاب در متن اصلی تحریف زیادی نکرده است. با این همه از روی اشاره هایی که به حمله اعراب و سال قمری تازیان کرده است و از تأثیر پذیری ضبط پاره ای از نامها از خط عربی در متن کتاب. دخالتهای او پدیدار میگردد. همچنین در بُندهشن بزرگ سخن از پایان پادشاهی ساسانیان و حکومت اعراب فاتح آمده است. (بهزادی، ۱۳۶۸: ۱۲۱) به عقیده ریپکا بازپسین نسخه آن را گویا در سده دوازدهم میلادی نگاشته‌اند (ریپکا، ۱۰۸: ۱۳۸۳)

بُندهشن ایرانی شامل ۳۶ فصل و یک دیباچه است. به نظر میرسد با وجود غلطهای املائی، زبان و سبک آن تازگی دارد و دیباچه ی آن به احتمال در سده ششم هجری بر آن افزوده شده است. (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۲) نویسندگان بزرگ عهد اول اسلامی همچون مسعودی، حمزه اصفهانی و بیرونی از متون بُندهشن آگاهی داشته‌اند (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۷۸) از جمله شباهت اقتدار آسمانی با اقتدار زمینی شاهان در بُندهشن چنان است که همچنان که چرخ برین میان چهار قدرت تقسیم شده است ایران زمین نیز چهار سپهد بخش شده است که نمودار اقتدار نظام عهده خسرو و انوشروان می‌باشد. (بهار، ۱۳۶۹: ۶۰) این نوشته که نشان از تغییر سیاست نظامی خسرو اول در تقسیم اقتدار نظامی ایران به چهار منطقه دارد نشانه ای از توجه بُندهشن به تغییرات سیاسی - نظامی آن عهده می باشد. اشاره به فره کیانی که آفریده هرمزد می باشد و با پادشاهان آن دوران همچون، هوشنگ، جم و کاووس و دیگر شاهان بیان گر ارتباط فره با اقتدار شاهان می باشد. (بُندهشن، ۱۳۶۹: ۱۰۹) از توجه نویسنده ی کتاب "دادویه" به تاریخ سیاسی ایران کهن پیداست که خود او نیز ادعا دارد، با سی و شش پشت به منوچهر و شهریار می رسد (همان، ۶)

ظاهراً مراد از (کیان) تمامی دوران شاهنشاهی ایران است که حتی شاهنشاهان ساسانی را که نژاد از کیانیان و پیشدادیان دارند در برمیگیرد. البته با نفوذ روزافزون موبدان در نظام ساسانی، آنان نیز خود شجره هایی ساختند و چنانکه گذشت به روایت بُندهشن خود را از دوره منوچهر شاه اسطوره ای محسوب نمودند (کریستن سن، ۱۳۷۴: ۵۱)

در دیباچه کتاب بُندهشن بزرگ، در یادداشتی نام درست کتاب را زنداکاسیه zandakasin یا (نگرش در شرح موضوعات دینی) آمده است و از آن رو آن را بُندهشن نامیده‌اند که در چگونگی

بنیاد آفرینش نخست و پیش از گام نهادن اهریمن بدسگال به زمین سخن میگوید. به نظر میاید روایت نخست آفرینش مبتنی بر این نکته است که در سه هزاره نخستین، آفرینش جنبه روحانی ناب داشته تا آن که روان پلید اهریمن به جهان آمد و چون روشنایی را دید سرگشته و پریشان شد. اهورا مزدا خدای نیکی خواست با او از در آشتی درآید، اهریمن گفت: نه چنین کنم پس هر دو بر آن شدند تا نه هزار سال با هم ستیزند و سرانجام این اهورا مزدا بود که در پایان پیروز از کار برآمد (ریکا، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۰۶) به این ترتیب داستان بُندهشن با نزاعی طولانی بین نیکی و بدی آغاز میگردد. (بهار، ۱۳۶۹:۳۵) در فصل ۳۳ کتاب، از گزندهایی که در هر هزاره بر ایرانشهر رسیده سخن رفته است. از حمله اهریمن بر کیومرث در هزاره اول و آنگاه دوران فرمانروایی ضحاک و اسارت او به دست فریدون در هزاره دوم و سپس تقسیم ایرانشهر بین پسران فریدون و آنگاه در هزاره چهارم که در سی امین سال پادشاهی گشتاسب ظهور زرتشت آغاز میشود و همچنین با چیرگی تازیان بر ایران زمین که آیینهای کهن و دین مزدا پرستی را نابود میکند؛ پایان می پذیرد. به این ترتیب پایان ساسانیان به دست اعراب مسلمان، پایانی تعیین کننده در سرنوشت سیاسی و اجتماعی ایرانیان به شمار می آید.^۴ در این متن اشاره سیاسی بُندهشن از متن نوشته آن روشن می شود پسر یزد گرد به هندوستان شد، سپاه و گند آورد. پیش از آمدن به خراسان درگذشت. آن سپاه و گند بیاشفت، ایران شهر به تازیان ماند. ("بُندهشن، ۱۳۶۹:۱۴۱) باید گفت، نکته مهمی که از کتاب بُندهشن و مقایسه روایت های هندی و پهلوی آن می توان دریافت؛ این است که این کتاب بر خلاف سایر کتب پهلوی قدیم که حاوی روایات صرف مذهبی هستند، روایات دینی را با موضوعاتی که منشاء آنها روایات ملی عهد ساسانی است و در منابع اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته مورد توجه قرار می دهد. (کریسن سن، ۱۳۷۴:۵۱)

گزیده های زاد سپرم

زاد سپرم هیرید سیرجان و کرمان از فضلا و مؤلفان زرتشتی قرن نهم میلادی (قرن سوم هجری) است. نوشته او (۱۷۰۰۰ واژه) دارای چهار بخش است:

بخش اول درباره بنیاد آفرینش که از نظر مطالب تقریباً با بُندهشن برابر است و به نظر میرسد سرچشمه مشترکی داشته اند.

بخش دوم درباره زندگانی زرتشت است و شامل داستانهای کوتاهی درباره پیامبران ایرانی می باشد.

بخش سوم درباره فروهر، روان و جان مردمان سخن می‌گوید و از بخشهای بعدی اوستایی نیز بحث می‌نماید.

بخش چهارم به فرجام شناسی و رستاخیز پایان جهان پرداخته و در فراهم آوردن مطالب کتاب خود به علوم یونانی استناد نموده است. (بویس، ۱۳۸۱: ۱۸۶).

در این اثر گرایشهای زورانی زاد سپرم نمودار است و این امر موجب شد که موبدکرمانی، مورد انتقاد و سرزنش برادر تعصب دیگر خود منوچهر واقع گردد^۵. توصیف زاد سپرم از نظریه های دینی خود، گویا زنده و سبک بیان او روشن و یکدست می باشد (گزیده های زادسپرم، ۱۳۶۶: مقدمه).

آنچه را که می توان در ادبیات دینی عهد ساسانی به ویژه در گزیده های زاد سپرم به ادبیات سیاسی آن دوران پیوند داد نتیجه ای است که کریستن سن در تبیین مطالب آن کتاب به دست داده است. به نظر او در آیین زرتشت، منش نیکو (سپنت منیو) و منش بد (انگر منیو) در آغاز توامان بوده‌اند و هر دو به وسیله یک خداوند که از نام او آگاه نیستیم بوجود آمده‌اند. در این نگاه زمان مطلق (بی نهایت) و مکان مطلق (بی نهایت) از مظاهر و جلوه‌های آن خداوند هستند. (کریستن سن، ۱۳۳۶: ۱۵۴) بعدها آن خداوند را مکان مطلق (ثواش) و یا برخی زمان مطلق (زروان) خواندند. مذهب زروانی در آخرین ازمه عهد ساسانی و یا به احتمال نزدیکتر، پس از سقوط شاهنشاهی ساسانی، از طرف دین مردان زرتشتی به تهمت الحاد و تکفیر، مطرود گردیده و به جای آن عقیده دیگری که اعتقاد داشت اورمزد پیش از همه مخلوقات وجود داشته و به عبارت دیگر وجود او منوط به خود او بوده است رواج یافته است. (همان ۱۵۵) بنابراین این عقیده، چنین تصور می‌شود که اورمزد در پایان سومین هزاره خلقت، زروان - یعنی - زمان را آفریده است. شاید به همین دلیل تلاش شد تمام آثار عقیده پیشین از کتب دینی زدوده شود و در نتیجه بیش از سه چهارم اوستا ساسانی نابود گردید. بیان علت این تغییر و انقلاب در مبانی عقاید متکلمان چندان روشن نیست. شاید سیاست خوبی بود که در دست دشمنان آیین زرتشتی قرار می‌گرفت. بسیاری زروان را به مفهوم قدر و سرنوشت به کار گرفته‌اند. در اندیشه قدریون، پاداشی برای اعمال نیک و پاد افرومی برای گناهان وجود ندارد. نه بهشتی است نه دوزخی، و نه هیچ چیزی که آدمی را به کردار نیک و یا بدکاری سوق دهد. از نظر آنان همه موجودات دارای جنبه مادی بوده و هیچ معنی (مینوگ) در کار نمی‌باشد. (همان، ۱۵۷) زاد اسپرم جوان جهان تلاش می‌نمود در عهد اقتدار نظام خلافت اسلامی (میان قرن سوم هجری) به نوعی اندیشه‌های

آیینی زرتشت را با توحید نزدیک ساخته و آن را با اندیشه های نظام حاکم همسان سازد (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۶۷- ۶۶) و آن تلاش یک فرایند سیاسی بود که به هر حال می بایست با تلافی دو اندیشه به پیروزی یکی از آنان منجر گردد.^۶

بیان او درباره فرشگرد کرداری یا ساختن جهان در آخرالزمان و بی گمانی نسبت به رستاخیز جهانی که در اندیشه های اسلامی نیز پای بندی به آن از اصول است نشانه ای از چنان تفکر سیاسی در منطق دینی است. (همان، ۶۲) یان ریپکا به روشنی ذات سپرم را اصلاح گر فقاقت دینی می خواند و او را نوآور در مسائل دینی محسوب می کند. (ریپکا، ۱۰۵: ۱۳۸۳) در این اثر به لحاظ توجه به اندیشه ی سیاسی از نسب کیانیان و سال شمار اعراب که در آنها، گذر سالهای زندگی تعدادی از پادشاهان ساسانی تا آخر آنان بحث شده است. (تفضلی، ۱۴۳: ۱۳۷۳).

نامه تنسر به گشنسب

با ظهور اردشیر بابکان و پایان یافتن عصر اشکانیان و ایجاد شاهنشاهی واحد و تمرکز سیاسی و دینی، دوران نوین از مناسبات سیاسی، دینی و اجتماعی در ایران آغاز گردید (گیرشمن ۳۴۸: ۱۳۷۵) بنابراین روایات متعدد پهلوی، عربی و فارسی، یکی از مردانی که با اردشیر در تقویت آرمان او سهمی به سزا داشت هیربذی بود تنسر نام با تباری اشکانی، مذهبی افلاطونی که مردم را به ظهور اردشیر مژده میداد و داعیانی برای تبلیغ آیین او به اطراف می فرستاد و مردم را به اطاعت و یاری او فرا می خواند. آنگاه که اردشیر بیرون آمد به خدمتش رسید و یاری و تدبیر خود را به او عرضه داشت و خواهان آن شد که زندگانی خویش را تنها در راه آماده ساختن کار اردشیر بگذارد. آنگاه مشاوره و ناصح اردشیر شد و چنان کوشید تا به تدبیر او و شمشیر اردشیر همه شاهان، سران و لشکریان و مردمان تحت امر درآمدند (زرین کوب، ۴۲۴: ۱۳۶۴) با این همه کار اردشیر تنها با بازیابی محتوایی آیین و مذهب راست نشد و او در صدد بازسازی یک ارتش نیرومند بود که در آن علایق ملی برای بازگرداندن سرزمینی که پس از حضور اسکندر مقدونی در ایران از دست رفته بود، به عنوان یک آرمان زنده بماند (تفضلی، ۲۳۲: ۱۳۷۶) و بیهوده نبود هنگامی که اردشیر از همان آغاز سرزمینهای بین النهرین و سوریه را تهدید کرد الکساندر سورس A- SEVR OS امپراطور روم نامهای فلسفی به او نوشت و اعمال قهرآلود او را سرزنش کرد و اعلام داشت هر کس باید به قلمرو خود اکتفا کند و اردشیر آن نامه را نشانه ضعف روم دانست و در پاسخ تمامی سوریه و آسیای صغیر را خواستار شد (فرای، ۴۷۰: ۱۳۸۶، وینتر و دینکاس ۱۱: ۱۳۸۶) مهمترین نکته هایی که از کارهای تنسر در مجموعه

آثار سیاسی و فرهنگی او در تاریخ ایران باز مانده است نامه معروف به نامه‌ی تنسر میباشد که به گشنسب شاه - طرفدار خاندان اشکانی - در طبرستان نگاشته شد و او را دعوت به پذیرش فرمان اردشیر نموده است. متن پهلوی این نامه در عهد اسلامی قرن دوم هجری به وسیله ابن مقفع دانشمند ایرانی به زبان عربی ترجمه شد. ظاهراً هدف ابن مقفع از این کار این بوده که اندازه توانایی خویش آثار باز مانده از زمانهای دیرین را از زوال نگه دارد و آنها را مفید و دلپسند سازد و مسلمانان را به آنها آشنایی دهد. (مینوی، ۱۳۵۴: ۱۳-۱۲) و شاید هم میخواست به اعراب ثابت نماید که با ملتی دیندار و دولتی صاحب تجربه دینی طولانی برخورد نموده‌اند. می‌توان افزود بعدها که اعراب مسلمان با ایرانیان آمیزش نمودند. بسیاری از دانشمندان ایرانی همچون، ابن قتیبه، طبری و ابوحنیفه دینوری پایه‌های ادب عربی را بر روی آثار فنا ناپذیر خود استوار نمودند و بی‌گمان آن آثار تأثیر فرهنگی خود را در آینده سیاسی اسلام نیز نهاد. (فرای، ۱۳۶۸: ۴۰۵) و بویژه در عصر عباسی دستور کار بسیاری از رجال و وزرا و فلاسفه از روی آن آثار اقتباس می‌شد (صفا، ۱۳۷۵: ۴۸) و بی‌تردید آن آثار در ارائه الگوی سیاسی در یک ساختار دینی از یک دولت نیرومند آسیایی تأثیر گذار بوده است. مهمترین گفتمان سیاسی متن نامه تنسر که در ساختار سیاسی دولت ساسانی تأثیری بیچون و چرا نهاد، مسئله مربوط به انتخاب ولیعهد شاهنشاه ایران عهد ساسانی است. بر این اساس شاهنشاه ایران به هنگام نگاشتن وصیتنامه سیاسی خویش با نامه‌های مهور به مهر سلطنتی و همانند خطاب به سران اقتدار کشور از جمله، موبد موبدان، ایران سپاهبد و دبیران مهشت ولیعهد خویش را تعیین نماید. ظاهراً هدف از این کار که می‌بایست مخفیانه انجام گرفته و تا زمان مرگ شاهنشاه کسی از آن آگاه نباشد، این بود که شاهنشاه بیم داشت جانشین آینده او به جانش سوءقصد کند و به همین دلیل تعیین ولیعهد را با مشاوره سران کشور تأیید آنان پس از مرگ خود قرار می‌داد. (همان، ۷۳) آنگاه که شاه به جهان دیگر می‌رفت در روزی معین افراد مذکور جمع می‌شدند و پس از معاینه مهرها و یکسان بودن متن‌ها به انتخاب شاه آینده از سوی شاه در گذشته پی می‌بردند و اگر در این باب توافق نمی‌کردند رای موبدان قاطع بود و بس.

امروزه دلایلی روشن وجود دارد که اگر چه شخص تنسر متعلق به عصر اردشیر بوده اما نامه او به وسیله دیگران در عصر سلطنت انوشروان (۵۷۹ - ۵۳۱م) با اندیشه‌های سیاسی نگاشته و تاریخ آن را به گذشته نسبت داده‌اند تا حرمت و تأثیر آن را در سراسر دوران شاهنشاهی ساسانی مکتوب و مؤثر باقی گذارند. موبد این نظر انتخاب شاپور به جانشینی اردشیر در زمان وی و به

امر شاهنشاه می باشد که در اثر مکتوب پهلوی کارنامه اردشیر بابکان ضبط شده و به زمان ما رسیده است. (شهبازی ۲-۱: ۱۳۴۸) همچنین تقسیم ایران زمین به چهار بخش نظامی و مدیریت نظامی با عنوان (ایران سپاهبد) بر آن بخشهای جداگانه که در عصر خسرو اول انوشروان انجام شده است. (پیگولوسکایا، ۱۶۷: ۱۳۶۷) مبین این حقیقت است که آن اثر در قرن ششم میلادی نگاشته شده است. البته محققان اروپایی توافق چندانی بر سر این نکته ندارند. از جمله دارمستتر که نخستین بار متن را به زبان فرانسه ترجمه کرده است، اعتقاد دارد که نامه مربوط به عهد اردشیر و بازتاب وقایع عصر اوست. (تفضلی، ۲۳۳: ۱۳۷۶) در مقابل کریستن سن اعتقاد دارد با توجه به قرائن موجود، نامه مربوط به عهد اردشیر نیست و به دوران خسرو تعلق دارد. خانم مری بویس نیز می افزاید: نامه متعلق به عصر اردشیر بوده و با توجه به روایت ایرانی، حفظ سینه به سینه آن و تاملی در ادبیات پهلوی، نامه در زمانهای گوناگون دچار تحول شده و بر حسب موقعیت تغییراتی در آن وارد شده است. (ریپکا، ۲۳۳: ۱۳۸۳) پیگولوسکایا نیز نامه تنسر را دارای اصالت می داند و اعتقاد دارد به هنگام ترجمه آن در عصر عباسیان، نقل قول هایی از قرآن، داستانی از کلیله و دمنه به علت شرایط ویژه سیاسی از سوی مترجم "ابن مقفع" بر آن افزوده شده است. (پیگولوسکایا، ۱۶۷: ۱۳۶۷)

ریپکا این نوع عنوان را (توضیح شک زدایی) ترجمه نموده است مهمترین بخش آن کتاب را در زمینه جدل با مسلمانان، یهودیان و مانویان به حساب آورده و توضیح داده است که بخش جدل با دگردینان ناقص بوده و باز پسین آن بخش از میان رفته است. (همان ۱۰۵) این نوشته شامل ۱۶۷۰۰ واژه پهلوی است که در نیمه دوم قرن نهم هجری (سوم میلادی) نگاشته شده است و نویسنده آن مردان فرخ پسر هرمز داد می باشد.

تفضلی در ترجمه نام کتاب آن را (شرح از میان برنده شک و تردید) آورده است؛ و در تفاوت آن با کتاب دینکرد، توضیح می دهد که نویسنده ی دینکرد خدانندگان خاص تر و عالم تری را مدنظر داشته کتاب شگند گمانیک و یچار برای طبقه عام تری نوشته شده است. با این همه از مطالب کتاب معلوم می شود که نویسنده به خوبی از عقاید فرقی که با آنان به جدل پرداخته آگاه بوده است. برای مثال در مورد اسلام، از مطالب قرآن مطلع می باشد و به عقاید معتزله نیز اشاره می نماید و در فصول مربوط به یهودیت و مسیحیت به مطالب کتاب مقدس توسل می جوید. (تفضلی، ۱۳۶: ۱۳۷۶) نویسنده از دوگانگی آیین مغان [به دینی] دفاع و از دینهای دیگر انتقاد می نماید و می گوید: "هم از سالهای کودکی جوای راستی بوده و در پژوهش آن سفر کرده و با بسیاری از کیشها و پیامهای آسمانی و آموزشهای دینی آشنا شده است. سخنان او پیام آور نوشته ها

و یادگاریهای دانایان پیشین و راستان و دانشمندان است" (سمیعی، ۱۳۵۵:۳۴) نام مصطلح آن کتاب "گزارش گمان شکن" می باشد. نویسنده اعتقاد دارد این کتاب برای برکنار نمودن گمان (شک) نوآموزان دینی بسیار بایسته است تا آنان ارجح دین بهی (به دینی) را یافته و کم ارزشی مخالفان دین را بشناسند. نویسنده به خصوص عقاید ثنوی و بدبینانه مانوی را طرد کرده و نتیجه می گیرد که برای انسان منصف و معقول اصول عقاید زرتشتی (آیین مغان) قابل قبول است (بوریس، ۱۸۷:۱۳۸۱) طولانی ترین فصل کتاب به اسلام اختصاص یافته و در این میان نویسنده به فرقه معتزله توجه خاصی دارد. فصلی نیز درباره "خدانشناسان نیست ایزد گوینان و دهریان" نگاشته شده است. نویسنده میگوید دین زرتشتی را چون از راه خرد قابل پذیرش بوده است را برگزیده و از سخنان او میتوان دریافت که زمانی به آیین مانوی گرایش داشته و سپس از «بند فریب آن» رها گشته است. (سمیعی، ۱۳۵۵:۳۴) اگر این گزارش پذیرفته شود که در قرن سوم هجری نویسنده کتاب مذکور زمانی به قول خود در بند فریب مانویت بوده است بی تردید اثر پایدار آیین مانوی را هنوز در ایران آن عهد و در اوج اعتلای خلافت بنی عباس می توان دریافت نمود. پیام آیین مانوی، همواره مبارزه با آیین ها غیر اندیشه مانوی بوده به طور یقین در عهد اسلامی نیز با توجه به حضور بقایای آن اندیشه هنوز می توانست به عنوان یک مبارزه سیاسی و اعتقادی در بقایای فرهنگ ایرانیان حضوری هر چند ناپیدا داشته باشد این در حالی است که آیین زرتشت که در دوران اسلامی فاقد احساس سیاسی و حضور در عرصه های حکومت بوده است از آن شرایط سخت به هر صورت عبور نمود و توانست تا امروز به حیات خود هر چند کم رنگ ادامه دهد. دین باوران زرتشتی به خوبی آگاه بودند اگر کوچکترین حرکتی دال بر حضور اعتقادی و سیاسی در عرصه حکومت اسلامی داشته باشند دچار آسیبی سخت و نابود کننده خواهند گردید (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۳۵۳) و به گفته بار تولد نیز "آیین زرتشت که در اواخر عهد ساسانی هیچگونه قیمت اخلاقی نداشت بعد از اسلام منزله گردید به درجه توحید خالص رسید" (بار تولد: ۱۳۵۸، ۲۲) در صورتی که زندقه حرکتی سیاسی در چارچوب اندیشه دینی منظمی بود که پیروانش را به انتشار مذهب مانوی و محتوای عقیدتی و دینی و میراث فکری آن به این اعتبار که جایگزین میراث اسلامی - عربیت است دعوت می نمود و چه بسا سیاست آن آیین در پشت دعوتهای فلسفی پنهان شده بود و به نظر طقوش نیز "هدف آن نابودی حکومت اسلامی و جایگزین نمودن حکومتی ایرانی بر جای آن بوده است" (طقوش، ۱۳۸۲: ۷۵)

"در هر صورت با استناد به تغییر آیین نویسنده کتاب در قرن سوم هجری، به خوبی پیداست، مانویان در آن قرن در لایه های ناپیدای جامعه اسلامی به صورت عام وجود داشته اند و مسلمانان آنان را موجوداتی غیر طبیعی و ضد اجتماعی می پنداشتند و جودشان را برای بقای دولت خطرناک می شمردند ولی با این حال مانویان مقاومت می کردند و به آسانی ریشه کن نمی شدند" (ناطق، ۲۲: ۱۳۵۷).

دادستان مینوی خرد

یکی از متون بسیار مهم پهلوی میانه خرد نام دارد که با سبک بیانی ساده و یکدست و عاری از الزامات شاعرانه و پیچیدگی های لغت دینی به نگارش درآمده است، این کتاب (۱۱۰۰۰ واژه) و با روحی شیفته خرد نوشته شده است. نویسنده خرد را ستایش میکند و آن را بهترین پدیده برای نگاهداشت تن و رهایی روان میداند خرد در کالبدی بر مردمی دانا [نویسنده ی متن] که از سرزمینی به سرزمین دیگری و به جستجوی آن رفته بود نمودار شده و مینوی خرد به پرسشهای او پاسخ میدهد. همین پاسخهاست که "رایهای مینوی خرد" نام گرفته و دامنه ی آنها به همه ی دانستنیهای دینی کشیده میشود. بویساین متن را نوعی ادبیات باستانی انگاشته و با آن کتاب نام دادستان مینوی خرد می دهد و اعتقاد دارد نویسنده آن جوینده ای است در پی اثبات حقیقت کیش زرتشتی و خود از مینوی خرد تعلیم میگیرد و این گونه اظهار میدارد: از "نخست، من که خرد غریزی هستم از مینوان و گیتی یان با اهرمزد بودم و آفریدگار اهرمزد، ایزدان آفریده به مینو و گیتی و دیگر آفریدگان را به قدرت خرد غریزی آفرید و نگاه میدارد و اداره میکند" (بویس، ۱۳۸۱: ۱۶۷؛ تفضلی، ۱۹۶: ۱۳۷۶) خردستایی نویسنده ستایش خرد را در دیباچه شاهنامه به یاد میاورد. نام خدای ایرانی "مزدا" نیز به معنای "خرد" است و همین نکته اصل این اندیشه که هر آنچه روی میدهد چه خدای و چه انسانی از خرد است را میشناساند (سمیعی ۱۳۵۵: ۳۴) مینوی خرد تنها کتابی است که اندیشه های آیین زروانی را که در ادبیات پهلوی بعد از دوره ساسانی محل و دوره معینی ندارد با نگاهی جدیدتر مورد بررسی قرار میدهد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۹۸) مؤلف غیرمعلوم مینوگ خرد مینویسد "همه کارهای جهان به قضا و زمان و مشیت عالیه زوران که وجودش قائم به ذات و فرمانروانش طولانی است باز بسته است" (کریستن سن، ۱۳۳۶: ۱۳۷) مذهب زروانی به هر صورت مورد تأیید و تفسیر علمای دین مغان و متکلمان آن آیین نبوده است و به احتمال قوی پس از سقوط شاهنشاهی ساسانی به صورت عمدی به تهمت الحاد و تفکیر گرفتار آمده است و حتی بیشتر عقیده دیگری در عقاید زورانسیم پدیدار گردیده که

بر مبنای آن اورامزد پیش از همه مخلوقات وجود داشته و به عبارت دیگر وجود او وابسته به خود او بوده است. (تفضیلی، ۱۹۸: ۱۳۷۶) حتی به گمان شکند گمانیک و یچار (فصل ۱ بند ۳). اورامزد در پایان سومین هزاره خلقت زوران یعنی زمان را آفریده است. از این پس سعی شد تمام آثار عقاید پیشین از کتاب دینی زدوده شود و بر همین اساس و به احتمال بیش از سه چهارم اوستای ساسانی از میان رفته است. بیان علت این تغییر و انقلاب در مبنای عقاید متکلمان دینی آیین مغان، چندان دشوار نیست. نخستین علت را باید در این موضوع جستجو نمود که آن عقاید وسیله خوبی بود در دست دشمنان خطرناکتری که با اعتقاد به آیین غالب یعنی اسلام قدم به میدان مبارزه گذاشته بود. اگر چه این یک مبارزه سیاسی نبود اما می توانست مسلمانان را تا حدودی در تبیین معنویت بیشتر آیین مغان ارضا نماید. دلیل دیگر آن هم این بود که روزان صرفاً به معنی زمان مطلق نبود به معنی و مفهوم قدر و سرنوشت نیز به شمار میاید به نقل از مینوگ خرد (فصل ۲۳ بند ۴-۷) در آن آیین اعتقاد به جبر به شدت آشکار است و از دید مسلمین آن اعتقاد به جبر موجب ضعف ایمان بود (همان، ۱۴۰)؛ و لذا حذف پدیده رزوانیسم راه حلی به شمار میاید که به هر صورت میتواندست باعث پایداری بیشتری شود.

شایست ناشایست

شایست ناشایست (۱۳۷۰واژه) شامل دستورهای دینی مکتوب، از جمله، آیینها پادیابی و توبه است که زرتشتیان ایران برای همکیشان خود به هند میفرستادند. در بیان آیینها از نسکهای اوستا شواهدی نیز آورده شده است. متن مذکور انعکاسی از عناصر فرهنگ مردم ایران را در خود داراست همچنین این متن از نظر زبان متنی بسیار عالی میباشد (سمیعی، ۱۳۵۵: ۳۸) به گفته ریپکا در آن کتاب، سخن از گناهان - کارهای روا و ناروا - نیک و ورزیها، رسمها، جشنها و معنیهای کتابهای مقدس آمده است. (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: مقدمه) نام نویسنده و یا به عبارت دقیقتر، نویسنده گان کتاب شناخته نیست. در متن کتاب فصل ۲ بند ۴۴ نویسنده از واژه دبیر استفاده نموده است. تاوادیا احتمال داده است که امکان دارد نویسنده دبیر بوده باشد. (تاوادیا، ۱۳۴۸: ۱۵۴) بر اساس تحقیق و استنباط خانم مزداپور در مقدمه کاملی که بر آوا نویسی و ترجمه متن شایست ناشایست انجام داده است، به نظر میرسد اولاً تاریخ نگارش کتاب بر طبق گواهیهای درونی آن، دست کم مهمترین و بیشترین فصلهای آن - متعلق به عهد پیش از اسلام می باشد زیرا در آن اشاره هایی به دین اسلام و فاتحان عرب دیده نمیشود و زمان نیز که از دینهای دیگر نام میرسد تنها به یهودیان، ترسایان و همچنین زندیقان دارد. (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۱) همچنین

لحن کلام نویسنده و یا نویسندگان در فصل هشتم کتاب گویای قدرت قانونی و حکومت داوران زرتشتی است که از حمایت کامل و بیچون و چرای دولت دینی ساسانیان برخوردار بوده اند. ثانیاً بر اساس همان داوریه‌ها و نتیجه گیریهای برگرفته از متن کتاب شایست ناشایست با جهانی از پویندگی و تحرک برای یافتن حقایق دینی و علمی روبرو هستیم که این کتاب یادگار آن اندیشه‌هاست. به واقع باید شایست ناشایست را بیانیه و یا سخن گوی جمع آرای رسمی حوزه فقاقت دین مردان عصر ساسانی به شمار آورد. مهمترین مشکل دینی مردان مذهبی عهد ساسانی آنچنان که از متن شایست و ناشایست برمیاید مبارزه با کفر و بدبینی و خود سربهای مذهبی بوده است. در کمتر کتابی از آن عهد عصر ساسانیان از پیروان سین^۷ و هوشنگ دینان صحبت شده است (همان، ۱۰) و بیشترین نگاه تاریخی به آن به صورت عمده متوجه اعتقادات مانویان در عصر شاپور اول تا عهد نرسی (۲۹۳-۲۷۳-۲۴۲م) می باشد که دستگاه دینی آتشگاه را به رهبر کریتر موبد پس از مرگ شاپور اول در برابر سیاست، دین و زندقه مانوی قرار میدهد (ویسهوفر ۱۳۷۷: ۲۵۸) و یا از مزدک و یاران او که جهانی را به آشوب کشیدند صحبت میدارد (کلیم، ۲۱۰، ۱۳۵۹) در میان نویسندگان و ایران شناسان متأخر کمتر به آشوبهایی که پس از رسمی شدن آیین مغان و نگاشتن اوستا در زمان شاپور دوم در آتشکده شیز در سرتاسر ایران بوجود آمد اشاره شده است، این که این آشوبها تا چه حد اجتماعی و یا سیاسی بوده و یا به آن تبدیل شده‌اند مورد توجه جدی قرار نگرفته است. در شایست ناشایست که به احتمال قوی و با توجه به متون شناخته شده در آن در اواخر عهد ساسانیان نگاشته شده است به این قبیل مسائل اشاره شده است. به گزارش وست و با تحقیق تطبیق یافته خانم مزداپور، این اثر را نباید به عهد قبل از انوشیروان نسبت داد و احتمالاً پس از سلطنت او (۵۷۹-۵۳۱م) و یا در دوران آرامش پس از سرکوب مزدکیان بوجود آمده است. (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۳) پس از تدوین سعی اوستا در عصر شاپور دوم ساسانی به احتمال در میان قرن چهارم میلادی در شیز آذربایجان، علیرغم توافقی که بر سر نگارش آن کتاب مقدس و تحت رهبری و سوگند موبد بزرگ، آذر بزی مهر اسپندان به عمل آمده است که در اینجا دیگر سخن از یک کتاب نیست. در مرحله قطعی سیاست دینی ساسانیان، همه شرایط خواستار چنان کتابی است. یکسو نمودن اندیشه و مردمان (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۴۱۷) اما جامعه ایرانی که از پیش دچار تشتت و تفرقه مذهبی بود در برابر تعالیم جدید که شایست ناشایست پرچمدار ستها. آداب آن به شمار میاید مقاومت نشان داده است. انعکاس از آن مقاومتها را در آثاری چون مقدمه ارداویرا فنامه و زنده بهمن یس میتوان بازیافت و

هم از روی نقوش تصاویر باز مانده از آن دوران قابل بحث است. (لوکونین، ۱۳۶۵: ۷۴) بنا به تحقیق لوکونین شاپور یکم در بین النهرین با آیین مسیح و اندیشه های فلسفی بسیار رنگارنگ "گنوسیسی" ^۸ اندیشه های نوافلاطونیان، اندیشه های باستانی بابلیان در زمینه های پیدایش کیهان و کیهان شناختی با برخوردهای گوناگون با آیین زرتشت و آیین یهود روبرو شده بود. (همان، ۱۱۵) بی گمان چنان اندیشه های و آثار تخریبی آن در بنیاد دینی مغان، هیربدان و موبدان و تبیین سلطنت تأثیری به سزا داشت. به گفته ی نیبرگ "دین مغان یک دین سخت و قانونی شده بود که همواره فرد را از روح آیین گنوستیک دور نگاه میداشت" (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۴۱۶) اگر قبول کنیم مانی اولین بدعتگذار در مسیر آیین سیاسی و تشکیلات حکومتی مغ شاهی ساسانی بود جنبش مزدک نیز پس از گذشت سالهای طولانی بر بنیاد همان آیین با تفاوت شکل جدید و اجتماعی و مبارزاتی آن پای گرفت و سبب شد بزرگترین شورش بیچزان و فقیران شهرها و کشاورزان ایرانی و حتی در خاور نزدیک در آغاز سده های میانه پدیدار گردد و از آن پس (بدعیها و الحادها) پدید آید. (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۲۳)

در آغاز دوره ساسانیان، اردشیر پایدار کردن سخت دینی را شناخته بود (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۴۱۶) و به راز حاکمیت بر اندیشه های مردم پی برده بود. اما هنوز کتابی در دسترس نبود دیگر ادیان بویژه مانویان و یهودان به کتب خود استناد میکردند. رسمی شدن آیین مسیح در امپراتوری وسیع روم و حمایت امپراطوران رومی از آن آیین و اندیشه گسترش آیین مسیح توسط کلیسا در سرتاسر جهان، باعث گردید شاپور دوم و سازمان دینی آتشگاههای ایران برای رسمیت بخشیدن به آیین مغان و به منظور مبارزه های آگاهانه تر از سابق در برابر تجاوزات رومیان دست به تدوین و نگارش اوستا بزنند. به گفته نیبرگ آیین مغان نیاز به یک سند کتبی داشت. اگر چه شاپور و یاران دیندار او در این امر توفیق یافتند اما رسمی شدن آیین و گسترش تفکر اوستا بر فرهنگ ایرانیان و غیر ایرانیان سبب ساز متفاوتهایی شد که در شایست ناشایست به درستی از آنها یاد شده است. مقاومتهایی که در برابر سیاست های جدید ساسانیان برای احیای دین و تمرکز آن ایجاد شد و در متون رسمی تاریخ همچون خداینامه ها از آن تعریف نشد است. در بخشی از شایست ناشایست اشاره ای به چنان تظاهرات و نمآهنگهای آیینی شده است "پیروان آیین پاکیزه و بهدین ما هستیم. پوریو تکش^۹ ما هستیم پیروان آیینهای (آمیخته) پیروان سرکرده (سین) و پیرو آیینهای زندیق، ترسا و جهود و دیگر مردم از این قبیل اند" (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۲) بنا به گزارش شایست و ناشایست، پیروان آیین سین خود سرانی بودند "سین"^{۱۰} آموزگار باستانی را از آذر بزی مهر اسپندان (خالق اوستا عصر شاهپور دوم)

برتری می شمرده و به دستورات شایست و ناشایست و هیربذ ستانها محافل و مجامع دینی روزگار خود وقعی نمی نهادند. (همان، ۱۰) شهرستانی در الممل و النحل به گونه گونی فرقه های مجوس اشاره دارد. (شهرستانی، ۱۹۰-۱۷۹: ۱۳۲۱) همچنین از عنوان هوشنگی (منسوب به هوشنگ پادشاه پیشدادی) در عصر رسمی شدن آیین در دوره ساسانیان سخن در میان بود که در گوشه و کنار سرکشانی از جامعه زرتشتی خود را چنین میخواندند و اعلام میداشتند که پیروی از جزئیات احکام دین را بر نمی تابند و از دستورات دست و پاگیر آن سر باز خواهند زد. (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۰) مزداپور در مورد گروندگان به آیین هوشنگی به نقل داستانی می پردازد و در عین آن که اصل آن را روشن نمی کند اما به یک بیت از شاهنامه استناد میورزد و مینویسد: از جمله کسانی که دلیل دشواری رعایت فروع دین زرتشتی و آداب و رسوم شکل آن بر دین کهن هوشنگی باقی ماند و احکام فقهی آیین مغان را نتوانست بپذیرد رستم دستان بود. بنابر سنتهای شفاهی، یکی از شاگردان زرتشت از رستم درخواست نمود دین زرتشت را بپذیرد. کهن پهلوان ایرانی به دلیل زندگانی آزاد و سرگردانی همیشگی خویش از پذیرفتن دین سر باز زد فردوسی این نکته را در شعری جاودان ساخته است.

ز دین زرتشت مرا ننگ نیست ولی دین به از دین هوشنگ نیست
(همان، ۲۹)

در این جا میتوان پذیرفت نوعی اندیشه سیاسی در بیان نوشته های شایست ناشایست برای تحکیم سیاست دینی ساسانیان بویژه پس از انقلاب مزدک و سرکوب خونین آن توسط انوشروان بوسیله دستوران، آموزگاران، و مغان اندر زبذان عهد ساسانی برای هدایت افکار جامعه ایرانی مبارزی باید دین و کفر اندیشی به صورت مبارزهای فرهنگی تدوین گردیده است.

زند و هومن یسن (بهمن یشت)

بر اساس مقدمه های که صادق هدایت بر مجموعه زند و هومن یسن یا آنچه معمولاً به خواننده می شده است "بهمن یشت" نوشته است آن کتاب شامل یک رشته حوادثی است راجع به آینده ملت ایران و دین ایرانیان که اورامزد وقوع آن حوادث را به زرتشت پیشگوی و یا پیش بینی نموده است. (هدایت، ۱۳۵۷: مقدمه) آن پیشامدها، هر کدام در دوران مشخصی رخ میدهد اما مهمترین و عمده ترین قسمت کتاب به موضوع تازش "دیوان ژولیده و اهریمن نژادان چرمین کمر" به ایران است که طی آن شهرها، روستاها و دودمانهای بزرگ تخریب و نابود می شوند (زند بهمن یسن، ۱۳۷۰: ۱۲) تاریخ نگارش کتاب روشن نیست بنا به تحقیق هدایت نسخه جدید

کتاب در حدود ۵۵۰ سال پیش به زمان ما حدود ۶۰۰ سال قبل در کپنهاگ دانمارک بدست آمده است. نکته جالب آن است که گردآورنده کتاب از پادشاهان ساسانی بعد از خسرو اول انوشروان (۵۷۹-۵۳۱ م) نامی نمی برد و در این صورت اشاره ای به حملات اعراب و مغولان ندارد اما به طور اتفاقی اشاره به اعراب مینماید (گزیده های زادسپرم، ۱۳۶۶:۲) و باز هم به نظر میرسد گردآورنده و یا گردآورندگان کتاب، در زمان حمله مغولان به ایران در دوران آن هجوم وحشیانه و بسیار ویرانگر میزیسته اند. احتمال دارد عمده ادبیات تاریخی و سیاسی این کتاب، در زمان حضور مسلمین در ایران و کم‌رنگ شدن آئین مغان به اصل کتاب افزوده در عین حال اشارات سربسته‌ای از حمله مغولان را در خود دارد. (همان، ۱۴) زند و هومن یسن دارای ۴۲۰۰۰ واژه بوده و همان گونه که اشاره شد در آن رویداد های جهان از زمان زرتشت تا پایان جهان پیشگویی شده است. (سمعی، ۴۰:۱۳۵۵) این پیشگویی های معجزه گونه که در آن اورامزد آینده ایران را به زرتشت الهام مینماید ممکن است این سوال را پیش آورد که چگونه خدای عالمیان و زرتشت پیامبر نمی توانند آن همه سختی را بر ایرانیان مانع گردند؟ واقعیت آن است که در دین زرتشت اعتقاد به تقدیر از مهمترین ارکان آن است. از آنجا که آیین مغان بر اساس نجوم و اعتقاد به حرکت ستارگان قرار گرفته لذا خلقت عالم و مردمان به موجب تأثیر ستارگان قبلا مقدر و معین شده است.^{۱۱} بدین ترتیب و بر این اساس تفسیر در روش عالم متصور نیست. اورمزد نیز که دارای علم مطلق (خرد مطلق) میباشد از آینده آگاه و قادر به پیشگویی می باشد لیکن در وقایع آینده نمی تواند دخالت نماید (هدایت ۲۰:۱۳۵۷) به همین دلیل وقتی زرتشت پیامبر بر اساس روایت زرتشتنامه تقاضای زندگی جاویدان می نماید اورمزد در پاسخ میگوید: "چون مقدر شده است تو به دست تور براتروش کشته بشوی لذا اگر ترا بیمرگ نمایم طبعاً تور براتروش نیز بیمرگ می شود و این خلافت روزگار و تقدیر است (همان) به عبارت بهتر تغییر سرنوشت ممکن نیست. با مطالعه و مقایسه دو متن زند و هومن یسن و زرتشت نامه شاعران بهرام پژدو^{۱۲} می توان به گزارش دوشن گیمن توجه نمود، به هنگام پیشگویی آینده‌ی دینی زرتشت، آن پیامبر تصویری از یک درخت با چهار شاخه‌ی ساخته شده از طلا، نقره، برنز و فولادی آهن مبیند که نمایانگر پادشاهی و یشتاسپ تا اردشیر هخامنشی، اشک، بلاش تا اردشیر ساسانی، بهرام پنجم ساسانی، خسرو انوشروان و سرانجام پایان هزاره زرتشت می باشد." این سرنوشت دین زرتشت در مسیر تاریخ سیاسی ایرانیان بود که بی هیچ شک به لحاظ پذیرش تقدیری از پیش تعیین شده در زمان حیات پیامبر بر او ظاهر شده و گریز از آن امکان نداشت و زرتشت آن سرنوشت را نیک

می دانست و به آن تسلیم بود، همچنان که آیندگان نیز سرنوشت را پذیرفته تا آن که ظهور سوسیالیسم موجب فرارسیدن رستاخیز و عصر طلایی (کالبد نهایی) گردد. (دوشن گیمن، ۱۳۷۵: ۹۲) و آنطور که در رساله جاماسپ نامگ آمده است، ویشناسب شاه عصر کیانی از وزیر خویش جاماسپ می خواهد آینده ایرانشهر [سرزمین ایرانیان] را پیشگویی کند و وی چنین پاسخ می دهد "ایرانشهر به تازیگان میرسد و تازیگان هر روز نیرومندتر می شود و شهر به شهر [ایران] را فرا میگیرند چنین نوشته هایی میتوانست حقایق تاریخی را شرح دهد و یا تأیید نماید و واکنش گروهها را در برابر رویدادها و داوری آنان را تفسیر نماید و سرانجام بیم ها و امید های آنها را آینده نشان دهد.

نتیجه گیری:

با بررسی متون می توان دریافت ایرانیان بویژه آن گروه از آنان که به آیین گذشته و حکومت شکست خورده وفادار ماندند چگونه به استیلای اعراب مسلمان بر بقایای شاهنشاهی ساسانی واکنش نشان دادند. همچنین با بررسی متون نشان می دهد "زرتشتیگری سنتی" حتی در قویترین حالات سلطه قدرت خلافت اسلامی اواخر عصر اموی دوران آغاز خلافت عباسی و عصر حضور ترکان در ایران از جنبشهای ایرانی علیه خلافت اسلامی که همچون قیامهای ملی تلقی شده اند احساس بیزاری می نمود. علت را میتوان چنین بررسی کرد که آن جنبشها سنتی نبوده اند و به دیگر سخن ریشه در افکار آرمانهای گذشته عصر ساسانی، همچون مانویان، مزدکیان سینیها، هوشنگ دنیان و کیومرثیان که او را مقدم بر زرتشت به حساب میاوردند، داشت، که ذاتاً با بددینی و بدعت مرتبط بود و به آن مظاهر خلاف و غیر سنتی یاری میرسانید. بدین ترتیب، متون مزدایی در عصر ساسانیان جنبه های بددینی و بد آیینی را مورد حمله قرار میداد و از راست دینی حمایت می نمود و متون دینی نگاشته شده در عصر اسلامی، تلاش میکرد از زرتشتیگری سنتی در برابر بددینیهای غیر مصطلح که به اساس سیاستهای دینی راست دینی آسیب میرسانید دفاع نماید. زیرا هویت گروهی زرتشتیان در عصر ساسانی شکل گرفته بود و در واکنش بر پیروزی اعراب مسلمان استوار شده بود مبارزه فرهنگی با بددینی همچنان به استواری پایگاههای زرتشتی و اقتدار هویت دینی کمک می نمود و بدین ترتیب بخشی از بدنه قدرت ساسانیان هنوز به بقای خود ادامه میداد و بخش دیگر نیز همچنان با امید بازسازی سیاسی خود در انتظار سوشیالیسم به سر میرد. این سکوت و انتظار به یک استراتژی سیاسی مبدل گردیده بود از سوی گروهی از مؤمنان به عنوان یک سیاست واقعی و در حال حضور ظهور در کتب مزدایی متأخر تجلی می یافت و هرازگاهی نیز در

درون خود تمرد از آن مسیر را سرزنش مینمود، همچون نامه های منوچهر به زاد سپرم و با برخی دیدگاههایی که در دینکرد مطرح شده است. تاریخ نشان داد که اندیشه های سیاسی در متون مزدایی متأخر تنها به سکوت دیر پا و سرانجام مهاجرت زرتشتیان سنتی از ایران منجر شد و آن اندیشه ها برای همیشه در متون سربسته خود همچون سؤالاتی بی جواب مدفون گردید.

پی نوشت:

۱- به عقیده فرای (پارتیان حماسه‌ی ملی ایران را پایه‌گزارای کردند و ساسانیان آنرا نگاشتند تا به فردوسی رسید (فرای، ۱۳۸۵: ج ۴، ۵۳۸).

۲- چنان دان که شاهی و پیغمبری
دو گوهر بدند در یک انگشتی
از این دو یکی را همی بشکنی
روان و خرد را به پا افکنی
(فردوسی ۱۳۵۳: ج ۹، ۳۵۵)

۳- در قرن سوم هجری - علاوه بر تلاش های زادسپرم جوان - برای نزدیک تر نمودن آیین مغان (زرتشتیگری) به آیین توحیدی اسلام، تلاش هایی نیز از جانب مغان، هیربدانو موبدان که هنوز در آن عهد در جامعه هنوز مسلمان نشده‌ی ایرانی جایگاه داشتند برای تقویت آیین انجام می شد. از جمله در ارائه بخشی از اوستا (وندیداد) تحولی غریب پیش آمد و آن خواندن تمامی آن بخش از اوستا در مراسم عبادی و شبانه یسنا به صورت یک عمل عبادی متداول گردید. آن مراسم عبادی (به صورت عمده پس از مرگ یک به دین) و برای دفع نیروهای تاریکی برگزار می شد و هدف آن این بود که اثر مراسم را تقویت نماید. این تنها مورد بود که مغ مرد روحانی مجاز به استفاده از متنی مکتوب بود و دیگر بخش های آیین را می بایست از بر بخواند احتمال می رود این عمل مقدمه‌ای بود برای کمک به اثبات این مدعا که زرتشتیان اهل کتاب هستند و بدین تربیت در مبارزه سیاسی اعتقادی کمتر آسیب ببینند. این تکلیف شبانه را با عنوان نیایش شبانه و یا اختصاراً وندیداد خواندند. (بویس، ۱۸۶: ۱۳۸۱)

۴- این پیش بینی سیاسی در بُندهشن ایرانی در واقع عملی بوده که رخ داده است و بعدها در زمان خلافت اسلامی و به هنگام نگارش کتاب به بخش اصلی افزوده شده است.

۵- "به گزارش نامه های منوچهر، برادر جوان او زاد سپرم در دین کهن بدعت نهاده و به ویژه او زمان آیین تطهیر آیین بر شنوم را کوتاه تر از معمول بیان داشته بود. منوچهر این بدعت خودسرانه را نوعی دخالت در سنت های زرتشتی به حساب آورده، اصرار داشت که در آیین های دین چیزی را نمی توان تغییر داد " (بویس، ۱۳۸۱: ۱۸۶)

۶- دوشن گیمن می نویسد: "زرتشتیان در دوره حضور اسلام در ایران می پرسیدند: چگونه خداوند می تواند انسان را از نو زنده کند در حالیکه به خاک تبدیل شده است؟ زادسپرم پاسخ می دهد که آفریده شدن انسان و سایر چیزها در زمانی که هیچ چیز وجود نداشته باشد مشکل تر بوده است" (دوشن گیمن، ۴۱۴: ۱۳۵۷)

7- senig

۸- gnostic از ریشه ی یونانی gnos به معنی دانستن است ولی در ادبیات سیاسی دینی عصر ساسانی از آن به معنی ملحد، کافر و بی دین یاد می شده است. (بهار، ۲۴۶: ۱۳۷۳)

۹- پوریوتکش: نخستین دین آورندگان و آموزگاران دین.

۱۰- وست به پیروزی از دارمستتر این واژه را منسوب به (چین و چینی) می داند که بر مردم ترکستان و چین و اختصاصاً به مانویان اطلاق می شد. تاوادی آن را منسوب به sen (در اوستا saena) که صدها پیرو دارد در دینکرد از آنها به بدعتگزاران که با احکام آیین مغان مخالف هستند یاد شده است. آثار دین در افکار پیروانش بر سه گونه اخلاق تقسیم شده است. خودپرستی، خود آرایی و دگرگون کردن (دگر اندیشی) (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۸۶)

۱۱- بر اساس یک مقاله از سن، برونر با عنوان اختربینی و اخترشناسی

Astrology and astronomy در عهد ساسانیان دانش های نجومی مهمی بودند که مردم از آن استفاده می کردند و موضوع آن علوم دانایی بر حرکت ماه، خورشید سیارات و ارتباط آن ها با سرنوشت مردم بوده است. همچنین نقش ستاره در اعتقادات آخرالزمانی که بسیار مورد توجه بوده است. (دریایی، ۱۳۸۳: ۱۱۲)

۱۲- به موجب اشعار متن زرتشت نامه تألیف بهرام فرزند پژدو، سال ۶۴۷ یزدگری / ۱۲۷۸ میلادی چنین آمد است:

| | |
|----------------------------|---------------------------|
| چنین گفت زرتشت پاکیزه رای | به هنگام پرسش به پیش خدای |
| بدانکه با بهمن امشاسپند | روان شد سوی آسمان بلند |
| که بر من در مرگ را بسته کن | دل بدسگالان من خسته کن |
| که تا مردم دین بمانند شاد | زراه گزئی هیچ نارند یاد |
| بدو گفت دادار پیروز گر | که ای دین پذیرفته و پرهیز |
| در مرگ بر تو بیندم اگر | بخواهی ز من مرگ بار دگر |
| فرو ماند زرتشت در کار خویش | بنالید در پیش دادار خویش |

منابع

- آلتهايم، فرانتس (۱۳۸۲): تاريخ اقتصاد دولت ساساني، ترجمه هوشنگ صادقي، تهران، علمی و فرهنگي.
- احسان عباس (۱۳۴۸): عهد اردشير، ترجمه محمدعلي امام شوشتری، تهران: انجمن آثار ملي.
- ارنسكي، ای.ام (۱۳۵۸): مقدمه فقه اللغه ايراني، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام.
- اذکاني، پرويز (۱۳۷۵): فهرست ماقبل الفرست، ج ۱، مشهد، بنياد پژوهش های آستان قدس.
- اينونسترانتسف، کنستانتين (۱۳۶۸): مطالعاتی درباره ساسانيان، ترجمه کاظم زاده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بارتولد، ولاديمير (۱۳۵۸): تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور، تهران، توس.
- بُندهشن (۱۳۶۸): تصحيح و ترجمه رقيه بهزادی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگي
- بُندهشن (۱۳۶۹): تصحيح و ترجمه مهرداد بهار، تهران، توس.
- بویس، مری (۱۳۸۱): زرتشتیان: باورها و آداب دینی آن‌ها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، ققنوس.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۳): جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز.
- پیگوسکایا، نینا (۱۳۶۷): شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، تهران، علمی و فرهنگي.
- تاجبخش احمد (۱۳۸۱): تاريخ مختصر تمدن و فرهنگ ایران قبل از اسلام، تهران، موسسه یادواره کتاب.
- تاريخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا برآمدن سلجوقيان (۱۳۸۵): گردآورندگان رن. فرای، ترجمه حسن انوشه، ج تهران، امیر کبیر، چاپ ششم.
- تاوادیا، جهانگیر (۱۳۴۸): زبان و ادبیات پهلوی: فارسی میانه، تهران دانشگاه تهران.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۸): تاريخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن، چاپ سوم.
- تورین بی؛ آرنولد (۱۳۷۳): جنگ و تمدن، ترجمه خسرو و رضایی، تهران، علمی و فرهنگي.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳): تاريخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت تهران، ققنوس
- دوبوآز، نیلسون (۱۳۴۲): تاريخ سیاسی پارت، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، ابن سینا.
- دوستخواه جلیل (۱۳۷۴): اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان، ج ۱ و ۲، تهران، مروارید.
- دوشن گیمن، زاک (۱۳۷۵): دین ایران باستان، ترجمه رویا منجم، تهران، فکر روز.
- دیاکونف، م.م (۱۳۵۹): اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام ت.

- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۵): تحول اندیشه های سیاسی در شرق باستان، تهران قدس.
- رضی، هاشم (۱۳۶۳): اوستا، تهران، فروهر.
- ریپکا، یان (۱۳۷۰): تاریخ ادبیات ایران، ترجمه کیخسرو و کشاورزی، تهران، گوتنبرک.
- ریپکا، یان (۱۳۸۳): تاریخ ادبیات ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، ۱، تهران، سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳): کارنامه اسلام، تهران، امیر کبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۶۳): تاریخ مردم ایران (قبل از اسلام)، تهران، امیر کبیر.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۹): روزگاران، تهران، سخن.
- زند و هومن یسن (۱۳۷۰): ترجمه و تصحیح محمدتقی راشد محصل، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سمیعی، احمد (۱۳۵۵): ادبیات ساسانی، تهران، دانشگاه آزاد ایران.
- شایست ناشایست (۱۳۶۹): ترجمه و تصحیح کتایون مزادپور، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۴۸): نقد و ترجمه انگلیسی نامه تنسر، راهنمایی کتاب شماره ۱ و ۲ (فروردین و اردیبهشت).
- شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۵۸): توضیح الملل، ترجمه سید رضا جلالی نائینی، ج ۱ تهران شرکت افست، چاپ دوم.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۵) دورنمایی از فرهنگ ایرانی و اثر جهانی آن، تهران نشر هیرمند.
- طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۳): دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه قم.
- فرای، ریچارد (۱۳۸۶): تاریخ باستان ایرانی، ترجمه مسعود رجب نیا تهران، علمی و فرهنگی چاپ سوم.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۷): میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران علمی و فرهنگی.
- فردوسی ابوالقاسم (۱۳۵۳): شاهنامه فردوسی، به کوشش محمدعلی فروغی، ج ۹، تهران جاویدان.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۳۶): مزدا پرستی در ایران قدیم، ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، دانشگاه تهران.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸): کیانیان، ترجمه ذبیح الله صفا، تهران، علمی و فرهنگی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۴): وضع مات و دولت دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ دوم.

- کلیما، اوتاگر (۱۳۵۹): تاریخ جنبش مزدکیان، ترجمه جانگیر فکری ارشاد، تهران، ققنوس.
- گزیده‌های زاد سپرم (۱۳۶۶): ترجمه و تصحیح محمدتقی راشد محصل، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گیرشمن، رومن (۱۳۶۴): تهران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمدمعین، تهران علمی و فرهنگی چاپ پنجم.
- لوکونین، لادیمیر (۱۳۶۵): تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران، علمی و فرهنگی.
- محمودآبادی، سیداصغر (۱۳۸۴): امپراطوری ساسانیان در گزارش‌های اسلامی و غربی، اصفهان افسر.
- محمودآبادی، سیداصغر (۱۳۸۵): دینکرد: واپسین دانشنامه زرتشتی در ایران (مجله مطالعات و پژوهش‌های دانشکده ادبیات) اصفهان، شماره: ۴۵، ۴۴.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۴): نامه تنسر، تهران، خوارزمی.
- مینوی خرد (۱۳۵۵): به اهتمام احمد تفضلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ناطق ناصح (۱۳۵۷): بحثی درباره زندگی مانی و پیام او، تهران، امیرکبیر.
- نصرالله زاده، سیروس (۱۳۸۶): شخصیت تاریخی تنسر در تاریخ ساسانیان آغازین، فصلنامه مطالعات و تحقیقات و تاریخی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، شماره ۱۶.
- نیبرگ، هنریک ساموئیل (۱۳۵۹): دین‌های ایران باستان، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران مرکز ایران مطالعات فرهنگ ما.
- ویسپهوفر، یوزف (۱۳۷۷): ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، تهران ققنوس.
- ویل دورانت، (۱۳۷۲): تاریخ تمدن (قیصر و مسیح)، ترجمه گروه مترجمان، ج ۳، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
- وینتر انگبرت و دیگناس، بئاته (۱۳۸۶): روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، ترجمه کیکاووس جهاندارای، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- هاشمی نژاد، قاسم (۱۳۶۹): کارنامه اردشیر بابکان، تهران، مرکز.
- هینلز، جان (۱۳۶۸): شناخت اساطیر ایران، ترجمه تفضلی و آموزگار، تهران، چشمه.
- هدایت، صادق (۱۳۵۷): زند و هومن یسن، تهران سازمان انتشارات جاویدان.
- Paul j alexander (1968) : medievael apocalypses as historical the ameican historical review.
- West e.w, (1965): marvels of Zoroastrianism, sacred books of east oxford 1897, reper delhi 1950.

